

بررسی عوامل مرتبط با گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه

دکتر نعمت‌الله تقوی^۱

مینا سلطانی^۲

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی عوامل مرتبط با گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه در میان دانشجویان کارشناسی ارشد زن غیرشاغل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ انجام شده است. متغیرهای مستقل در این مقاله شامل انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و کلیشه‌های جنسیتی است. متغیر وابسته گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه می‌باشد.

در این مقاله پس از تعاریف مفهومی گرایش و اشتغال به تئوری‌های توضیح دهنده گرایش پرداخته می‌شود. در مرحله بعدی نظریه جامعه‌پذیری فرهنگی، دیدگاه فمینیستی، تئوری‌های تقسیم کار جنسیتی اقتصادی، فرایند تجزیه جنسیتی کار در جهان غرب و نظرات تصورات قالبی رفتار پرداخته شده و فرضیه‌های مربوط بحث و نتیجه‌گیری شده است.

جامعه آماری شامل دانشجویان کارشناسی ارشد زن غیرشاغل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ است که تعداد کل آن‌ها ۱۸۸۷ نفر می‌باشد. از این تعداد، طبق فرمول کوکران و برحسب واریانس به دست آمده از پیش‌آزمون

۱- استادیار مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

پرسشنامه، حجم نمونه آماری به تعداد ۲۱۶ نفر محاسبه و انتخاب شد. نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای و به تفکیک دانشکده انجام گرفت.

در آزمون روابط متغیرها، از تحلیل آماری رگرسیون چندگانه به روش Enter و آزمون‌های I پیرسون استفاده شده و نتایج به دست آمده به شرح زیر می‌باشد: گرایش زنان دانشجوی به اشتغال در خارج از خانه با انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و کلیشه‌های جنسیتی آنان رابطه مستقیم و معنی‌داری دارد. و **واژگان کلیدی:** گرایش، اشتغال، انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی و کلیشه‌های جنسیتی.

بیان مسئله

امروزه شاغل بودن زنان یکی از مسائلی است که در اجتماع مطرح است که در اجتماع مطرح است. زنان به علل گوناگون به کار روی می‌آورند و حتی علاوه بر مسئولیت خود در خانه و تربیت فرزندان، مسئولیت‌های اجتماعی را نیز پذیرا شده‌اند. در این جاست که ما با قشری به عنوان زنان شاغل روبرو هستیم. افرادی که در دو جبهه مهم یعنی جامعه و خانواده مشغول خدمت و انجام وظیفه می‌باشند. با تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی و پیچیده‌تر شدن تقسیم کار، امروزه زنان علاوه بر ایفای نقش در خانواده، پذیرای مسئولیت‌های عمده‌تری نظیر اشتغال در بیرون از خانه می‌باشند. اشتغال زنان با مسائل عمده‌تری نظیر اشتغال در بیرون از خانه می‌باشند. ورود ماشین و صنعت بر اشتغال زنان اثر گذاشته و آنان را از مشاغل سنتی به سوی بخش‌های صنعتی سوق داده است. یکی از بسترهای اساسی توسعه در هر کشور افزایش سطح تحصیلات و مهارت‌های لازم برای توان‌مندسازی در زمینه اشتغال و کاریابی محسوب می‌شود و بر این اساس در کشور ایران در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ سرمایه‌گذاری‌های زیادی در زمینه آموزش عمومی، فنی و حرفه‌ای و عالی انجام پذیرفته و خیل عظیمی از زنان با بهره‌گیری از آموزش‌ها در راستای توان‌مندسازی خویش تلاش نموده و توانسته‌اند مهارت‌های لازم را برای فعالیت در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی به دست آورند.

آنان انتظار دارند تا جامعه پذیرای آنان بوده و بستر لازم جهت ایفای نقش آنان در جامعه فراهم آورد و پایگاه اجتماعی و اقتصادی و موقعیت مطلوب‌تری برای آنان فراهم شود. با وجود این که زنان ایرانی به انحای مختلف سعی در بروز خلاقیت و نشان دادن توانمندی‌های خود در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی دارند، اما چنین به نظر می‌رسد که بسترهای مورد نیاز برای حضور زنان در عرصه‌های مختل به نحو مطلوب فراهم نشده و جامعه کمتر پذیرای فعالیت آنان، بالاخص در عرصه اقتصادی است. بنابراین لازم است تا تمهیدات لازم نظیر توان‌مندسازی و تقویت مهارت‌های آنان در راستای استفاده بهینه از توانایی‌ها و شایستگی‌های زنان در عرصه‌های مختلف بالاخص در اقتصاد فراهم شود و فراهم سازی شرایط حضور بیشتر زنان در جامعه ناظر بر دو بعد فردی و اجتماعی است. بعد فردی در چارچوب خانواده و در احراز شرایط اختصاصی و بعد اجتماعی به شرط حضور در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و پذیرش مسئولیت در اجتماع تحقق می‌یابد (موسی‌پور، ۱۳۸۷: ۵-۴).

گروهی از جامعه‌شناسان بر اساس یافته‌های تحقیقاتی بر این باورند که زنان در مراحل مختلف جامعه‌پذیری با نقش‌های جنسیتی مواجه می‌شوند ارزش‌های فرهنگی که زنان را در خانه به تصویر می‌کشد، با ساختار شغلی که زنان را به استخدام دعوت می‌کند در تضاد است زیرا نگرش زنان نسبت به خود، در نیاز به پیشرفت و عدم اطمینان نسبت به آینده تاثیر می‌گذارند (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۱۵۲-۱۵۱).

میزان مشارکت زنان ایرانی در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی در سال ۱۵ سال گذشته کاهش یافته است. در فاصله‌ی سال‌های ۷۰ - ۱۳۵۵ با وجود افزایش تعداد زنان فعال از ۴۴۹ هزار به ۶۳۰ هزار نفر، میزان مشارکت زنان در اقتصاد کشور به دلیل موانع اقتصادی بازار کار از ۱۲/۹ به ۸/۷ درصد سقوط کرده است. این داده‌ها نشان می‌دهد که شرایط و امکانات لازم برای استفاده از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در زمینه منابع انسانی، حداقل در مورد زنان فراهم نشده و نمی‌توان انتظار داشت که بهره‌وری از نیروی کار زنان با این نوع سرمایه‌گذاری ارتقاء یابد (سخاوت، ۱۳۸۰: ۳۴-۳۳).

در مواردی، موانع و مشکلات موجود ریشه‌های فرهنگی و تاریخی دارد، لذا به راحتی نمی‌توان آن‌ها را از میان برداشت. براساس مطالعات و تحقیقاتی که در سال ۱۹۹۴ روی نقش زنان در توسعه صورت گرفته، سه عامل عمده مؤثر بر موقعیت ضعیف زنان در جامعه شناسایی گردیده است:

- ۱- فرهنگ مدیریتی که در آن تسلط با مردان است و بدین سبب مردان به راحتی تعویض اختیار (موقعیت) نمی‌نمایند.
- ۲- روند گذشته جامعه که تبعیض‌هایی را بین دو جنس به وجود آورده است.
- ۳- نادیده گرفتن پناسیل‌ها و توانایی‌های زنان در امور مربوط به مدیریت اقتصادی (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۷۳-۱۷۲).

با این وجود نتیجه‌ی نظرسنجی‌ها در ایران نشان می‌دهد که وضعیت کشور ما از نظر فعالیت زنان در عرصه‌های اقتصادی مطلوب نیست و عوامل متعددی در این مسئله مؤثرند، به طوری که می‌توان گفت وجود کلیشه‌های جنسیتی، انتخاب شغل را برای زنان محدود می‌سازد، آنان نسبت به مردان پاداش کمتری می‌گیرند و اغلب زنان در برنامه‌های آموزشی و ارتقای شغلی نادیده گرفته می‌شوند (نوروزی و دیگری، ۱۳۸۵: ۲).

تعریف مفهومی گرایش و اشتغال

۱) گرایش

از نظر لغت‌شناسی گرایش دارای دو جزء است که هر دو به معنای انطباق می‌باشد. یک جزء آن به معنای استعداد یا تمایل و بیانگر تناسب، صلاحیت و یا توانایی است و جزء دیگر آن از هنر گرفته شده است که معنای اظهار حالت یا اشکال بیان یا مجموعه-ای از حالات تجسم شده است. آلپورت در نظریه شخصیت خود، گرایش را یک حالت روانی آمادگی برای انجام یک عمل که بر اساس تجربیات سازمان یافته و روی عکس‌العمل افراد نسبت به پدیده‌ها و موفقیت‌ها به صورت پویا مؤثر است، معرفی می‌کند (پرچمی، ۱۳۸۲: ۸). روزنبرگ و هاولند در تعریف گرایش می‌گویند گرایش،

آمادگی (تمایل قبلی برای پاسخی مسلم، قطعی و معلوم به محرک‌های خاص است. این پاسخ‌ها با احساس که مربوط به ارزیابی احساسی مثل دوست داشتن یا نداشتن است)، شناخت (که مربوط به عقاید، باورها و ایده‌ها درباره موضوع گرایش است) و رفتار (که مربوط به تصمیمات رفتاری یا تمایلات کنشی است) مرتبط هستند. برای بررسی گرایش‌های افراد، می‌توان از سه جزء، یعنی احساسات، شناخت و رفتار بهره گرفت (همان منبع). رفیع‌پور به نقل از درور فروهیخ (Frohick)، گرایش را به معنای نظامی از تمایلات، عقاید و اعتقادات یک فرد نسبت به پدیده‌های محیط خود معرفی می‌کند. این نظام از تمایلات و ... در طول زمان و در پی تاثیرات محیطی و تجربیات قبلی، شکل‌گیری می‌شود و کم و بیش دارای قوام و دوام است. گرایش به یک موضوع، علاوه بر ایجاد رابطه‌ی متقابل میان افراد، زمینه را برای فعالیت افراد در یک گروه متشکل آماده می‌سازد. لذا اهداف و آرمان‌های خود و موضوع گرایش ارتباط بسیار نزدیکی پیدا می‌کند. لذا با گرایش به سمت آن موضوع سعی در دنبال کردن اهداف خود دارد و بدین طریق نیازهای مختلف خود را برآورده می‌سازد. پس به گرایش از دو سو می‌توان نگریست: نخست از دیدگاه فردی که به موضوعی گرایش پیدا می‌کند و دوم این که موضوع گرایش چه هدفی را از پیوستن افراد به آن دنبال می‌کند. آن‌چه در جامعه کنونی ما شایسته بررسی است، هر دو جهت موضوع می‌باشد. خصوصاً آن افرادی که به موضوعی گرایش پیدا می‌کنند، از قشر زنان، به ویژه زنان شاغل که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند. اگر به مسایل این قشر خاص و حساس توجه نشود، چه بسا جامعه در آینده دچار مشکل خواهد شد. به طور کلی پذیرفته شده است که اگر گرایش‌های دارای ماهیت اجتماعی نقش احساسی را در اقدامات جامعه مدرن بازی می‌کنند و بر کیفیت زندگی همه افراد آن جامعه تاثیر می‌گذارند. اگر گرایش‌های مطلوب شناسایی شوند و اجتماع هم با آن‌ها موافق باشد؛ کیفیت بهتری از زندگی تضمین خواهد شد. اصولاً با شناسایی عوامل مرتبط با گرایش زنان دانشجوی به اشتغال در خارج از خانه، می‌توان عواملی را که تاثیر زیادی دارند، با ایجاد بسترهای مناسب تقویت کرد و عواملی را که مانع گرایش زنان به اشتغال در خارج از خانه می‌-

شود شناسایی نمود و راه حل‌های مناسبی برای اصلاح یا تسهیل این موانع ارائه نمود تا گرایش مورد نظر تقویت و گسترش یابد.

۲) اشتغال

وضعیت داشتن شغل و مشغول بودن به شغل معین را اشتغال گویند. اشتغال به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن به ازای شرکت مستقیم و فعال در جریان تولید و انجام خدمات، پاداش یا فردی به صورت نقدی یا جنسی پرداخت می‌شود، و شاغل کسی است که شغلی را داراست و به این شغل به عنوان حرفه و تخصص آگاهی دارد. اشتغال ترتیبی است قراردادی به منظور کار کردن برای دیگری، کارفرما یا استخدام کننده معمولاً ویژگی‌های زیر را دارد:

۱- از لحاظ مکانی از خانه جدا است.

۲- زمان انجام دادن آن در اوقات مشخص است که از فعالیت‌های دیگر متمایز است.

۳- منبع در آمد است.

۴- هویت و پایگاه اجتماعی را در داخل جامعه مشخص می‌کند (تقوی، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

نظریه‌های مرتبط با گرایش زنان به اشتغال

تئوری انگیزش: برای تعیین و تبیین گرایش زنان به اشتغال نظرات مختلفی ارائه شده که در این قسمت به نظریات انگیزشی فروید، مک کله‌لند، هرزبرگ، مزلو و وروم می‌پردازیم. در روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، تئوری‌های گوناگونی برای تعریف انگیزه‌های بشری آورده شده‌اند. طبق نظر فروید، انسان‌ها توسط عوامل ناخود آگاه به عمل برانگیخته می‌شوند. از نظر وی، (Id) نام دارد و نشان از غرایز اساسی بشر دارد. مفهوم‌سازی آگاهانه ما از خود (Igo) سعی در کنترل این عناصر دارد و هدایتگر درونی غیر آگاه دیگر یعنی فراخود (Super Igo) افکار و اعمال خود را مورد نقد و بررسی قرار داده و هنگامی که به نظر می‌رسد خود تسلیم نهاد شده است، دچار گناه و هیجان

می‌شود. فراخود نتیجه جامعه‌پذیری اولیه، به خصوص آموخته‌ها از طریق والدین در دوران کودکی است (Hofstede, 1980: 50).

نظریه جامعه‌پذیری فرهنگی: هافستد با طرح نظریه جامعه‌پذیری فرهنگی، رفتار کاری و سازمانی افراد در انواع جوامع به تصویر می‌کشد. با رای کشورهای با ویژگی پرهیز از عدم اطمینان، «فراخود» (Super Igo) هم‌چون یک نیروی درونی عمل می‌کند. انجام کار دقیق و سخت، راهی برای کاهش فشار است. این وضعیت در کشورهای با سطح پایین فردگرایی تقویت می‌شود. احساس درونی مسئولیت در مقابل اجتماع، نقش مهمی در این جوامع ایفا می‌کند. در جوامع فردگرا، نیاز به عمل بر اساس منافع فردی طبق تئوری انتظار قابل تبیین است. در این جوامع اعمال افراد به خاطر انتظار کسب رضایت صورت می‌گیرد. چهار ویژگی فاصله قدرت، پرهیز از عدم اطمینان، جمع‌گرایی و مردانگی تعیین‌کننده‌ی توصیفی از سیستم‌های ارزشی هر جامعه است. ترکیبی از این ویژگی‌ها در تعریف ساختار سازمان کاری کارآمد نقشی اساسی دارد. به عنوان مثال، افراد در کشورهای با فاصله قدرت زیاد، ترجیح می‌دهند تصمیمات به صورت متمرکز گرفته می‌شود، زیرا حتی سرپرستان نیازمند وابستگی به سرپرستان مافوق خود هستند. در مقابل در کشورهای با فاصله قدرت کم، افراد قدرت کم، افراد ترجیح می‌دهند تصمیمات غیر متمرکز اتخاذ شود (Ibid: 50).

دیدگاه فمینیستی: در این دیدگاه دو مفهوم متفاوت قابل پیگیری است. این دو مفهوم که در دهه ۸۰ بحث‌های بسیاری را به همراه داشت، عبارتند از: برابری جنسیتی و تفاوت‌های جنسیتی. در مفهوم برابری جنسیتی، اصول مورد توجه گرایش به کوچک شهری یا حتی فراموشی تفاوت‌های جنسیتی است. علت این بی‌توجهی آن است که این‌گونه تمایزات، مانعی برای رسیدن به برابری‌های اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود. در این صورت، تفاوت‌های جنسیتی باید به عنوان یک مقوله بی‌ربط در مکاتب، وضع قانون، دادگاه‌ها و اشتغال در نظر گرفته شده کنار گذاشته شود (Doucet, 1995: 272).

تئوری‌های تقسیم کار جنسیتی اقتصادی: سه دسته تئوری به تبیین این مفهوم می‌پردازند:

(۱) نئوکلاسیک‌ها: تراکم زنان در بعضی از مشاغل، سرمایه انسانی، مهارت و تخصص کمتر آن‌ها،

(۲) تئوری جدا سازی بازار کار: شرایط نابرابر و متفاوت کار برای زنان و مردان،

(۳) نظریه طرف‌داران حقوق اجتماعی زنان: موقعیت فروتر زنان در بازار کار به تبعیت از نظام‌های جامع اجتماعی که ناشی از موقعیت کمتر زن در خانه و فرمانبرداری وی از مرد است. فیمینسیم لیبرال با پافشاری بر حقوق برابر، معتقد است که سرمایه انسانی و استعداد زنان ناشی از فرصت‌هایی است که برای ارتقای توانایی آن‌ها در اختیارشان گذاشته می‌شود. در صورت وجود چنین فرصت‌هایی، جوهره‌ی وجود زنان، همتراز مردان آشکار خواهد شد و همانند آن‌ها از کار لذت خواهند برد. سازمان بوروکراسی، سازمان سلسله مراتبی، محدودکننده و غیرانسانی است که انتخاب را از انسان‌ها می‌گیرد و حتی ممکن است نتایج ناخواسته و نارضایتی به همراه آورد. بدین ترتیب قابل رها کردن است (Tepper man, 1998: 34).

فرایند تجزیه جنسیتی کار: بسیاری از تحقیقات در مورد مشاغل مختلف، از کار یادی گرفته تا غیریدی، نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مرتبط با شغل، مثل عزت نفس، فشار کار، رضایت شغل و مانند آن پیش‌بینی کننده‌هایی دقیق برای رفتار کارکنان اعم از زن و مرد هستند گرچه در ورود به مشاغلی که به صورت سنتی مردانه تلقی می‌شده افزایش اساسی از جانب زنان صورت گرفته است. ولی هنوز تجزیه‌ی جنسیتی مشاغل یکی از پایدارترین اشکال بازار کار است. محتوا و شرایط کار برای زنان نسبت به مردان کمتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته و درمقابل اندکی از تحقیقات به رابطه بین پذیرش مسئولیت‌های خانگی و پیامد آن برای کنش مردانه پرداخته‌اند (Emslie, 1999:36).

نظرات تصورات قالبی رفتار (کلیشه‌های جنسیتی)

الف) تعریف کلیشه یا تصورات قالبی رفتار: تعریف کلیشه از وشستاگون عبارت است از: «گرایش به یکنواختی و یکسان‌سازی، یعنی حذف خصوصیات فردی و تفاوت‌ها و روحیه انتقادی در مباحثه و ابراز عقیده». کلیشه از آن‌جا که با تصمیم نابجا و ساده‌انگاری افراطی همراه است، پدیده‌ای منفی به حساب می‌آید که تعریف واقعیت را در پی دارد. نادرستی کلیشه نیز در آن است که بی هیچ مبنای علمی و با استناد به یک تفاوت کاذب طبیعی خصوصیات را به یک قوم نسبت می‌دهد.

ب) محتوای کلیشه‌ها: کلیشه‌ها در برگیرنده تصاویر، نگرش‌ها، احساسات یا اعمال هستند. کلیشه‌ها ممکن است به جنبه جسمانی یک گروه انسانی (زنان یا مردان) یا به خصوصیات فکری، عاطفی و از موقعیت اجتماعی یک گروه انسانی مربوط شوند. ذهن انسان با کلیشه‌سازی به عملی دوگانه دست می‌زند: از یک سو خصوصیات و توانایی‌هایی را به زنان نسبت می‌دهد که در مردان از آن‌ها نشانی نیست و از سوی دیگر مردان را از ویژگی‌ها و توانایی‌هایی بهره‌مند می‌سازد که زنان از آن محرومند (میشل، ۱۳۷۶: ۲۲).

اهداف پژوهش

هدف‌های این پژوهش را تحت عناوین هدف‌های کلی و هدف‌های جزئی می‌توان بیان کرد.

هدف کلی: تعیین رابطه هر یک از عوامل مرتبط با گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه.

هدف‌های جزئی:

(۱) تعیین رابطه بین انگیزه‌های اقتصادی با گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه.

(۲) تعیین رابطه بین انگیزه‌های اجتماعی با گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه.

۳) تعیین رابطه بین انگیزه‌های فرهنگی با گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه.

۴) تعیین رابطه بین انگیزه‌های خانوادگی با گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه.

۵) تعیین رابطه بین کلیشه‌های جنسیتی با گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه.

فرضیه‌های پژوهش

۱- بین وجود انگیزه‌های اقتصادی و گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه رابطه وجود دارد.

۲- بین وجود انگیزه‌های اجتماعی و گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه رابطه وجود دارد.

۳- بین وجود انگیزه‌های فرهنگی و گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه رابطه وجود دارد.

۴- بین وجود انگیزه‌های خانوادگی و گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه رابطه وجود دارد.

۵- بین وجود کلیشه‌های جنسیتی و گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه پیمایشی است و چون در یک مقطع زمانی معین صورت گرفته یک مطالعه مقطعی می‌باشد از آن جا که روی یک جمعیت معرف انجام می‌گیرد تا قدرت تعمیم‌پذیری فراهم شود یک تحقیق پهنانگر می‌باشد.

جامعه آماری و حجم نمونه

جمعیت مورد مطالعه در این تحقیق دانشجویان کارشناسی ارشد زن غیرشاغل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به تعداد ۱۸۸۷ نفر در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ می-باشد. که از بین آنها طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران حدود ۲۱۶ نفر نمونه انتخاب شده که به روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است.

ابزار گردآوری اطلاعات

برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و هم چنین متغیر وابسته پرسشنامه‌ای با ۲۳ سوال توسط پژوهشگر ساخته شد. در نمره گذاری این پرسشنامه از روش لیکرت استفاده شده و نمره‌های هر سؤال از ۱ تا ۵ می‌باشد.

اعتبار و پایایی وسیله اندازه‌گیری (Reliability & Validity)

برای تأمین اعتبار ابزار از روش اعتبار صوری (توافق تعدادی از متخصصان فن در این زمینه) استفاده شده است. برای محاسبه پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کرونباخ نشان دهنده میزان هماهنگی درونی گویه‌ها و نیز احتمال تکرارپذیری نتایج در شرایط مشابه است.

جدول شماره (۱): پایایی گویه‌های مربوط به سازه‌های مورد بررسی

مقدار آلفا	تعداد گویه‌ها	متغیر
۰/۷۵	۵	گرایش زنان دانشجوی به اشتغال در خارج از خانه
۰/۷۱	۳	انگیزه‌های اقتصادی
۰/۶۰	۴	انگیزه‌های اجتماعی
۰/۶۳	۳	انگیزه‌های فرهنگی
۰/۸۰	۳	انگیزه‌های خانوادگی
۰/۷۳	۵	کلشه‌های جنسیتی

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های گرد آوری شده با نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند. برای توصیف صفت‌های کمی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و برای توصیف صفت‌های کیفی درصد محاسبه شد. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های I پیرسون و هم‌چنین برای تبیین گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه بر اساس متغیرهای مستقل از رگرسیون چندگانه به روش Enter استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: در مطالعه‌ی حاضر که میانگین میزان گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه به طور کلی ۷۸/۹۳٪ محاسبه و میانگین میزان انگیزه‌های اقتصادی ۸۴/۹۹٪، میانگین میزان انگیزه‌های اجتماعی ۷۱/۴۱٪، میانگین میزان انگیزه‌های فرهنگی ۷۳/۹۵٪، میانگین میزان انگیزه‌های خانوادگی ۶۶/۹۷٪ و میانگین میزان کلیشه‌های جنسیتی ۴۳٪ محاسبه شده است.

توزیع پراکندگی متغیرهای مستقل و وابسته

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۲) میانگین میزان گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه به طور کلی $۷۸/۹۳ \pm ۱۷/۶۸$ ، میانگین میزان انگیزه‌های اقتصادی $۸۴/۹۹ \pm ۱۴/۱۷$ ، میانگین میزان انگیزه‌های اجتماعی $۷۱/۴۱ \pm ۱۷/۷۵$ ، میانگین میزان انگیزه‌های فرهنگی $۷۳/۹۵ \pm ۱۵/۸۳$ ، میانگین میزان انگیزه‌های خانوادگی $۶۶/۹۷ \pm ۲۱/۲۶$ و میانگین میزان کلیشه‌های جنسیتی $۴۷/۱۰ \pm ۲۱/۲۶$ به دست آمده است که توضیح آن در جدول ذیل گزارش شده است.

جدول شماره (۲): توزیع پراکنندگی میزان متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات	ضریب کجی	تعداد مشاهدات
گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه	۷۸/۹۳	۱۷/۶۸	۳۱۲/۸۱	۲۰	۱۰۰	۸۰	-۱/۵۸	۲۱۶
انگیزه‌های اقتصادی	۸۴/۹۹	۱۴/۱۷	۲۰۱/۰۴	۱۶/۶۷	۱۰۰	۸۳/۳۳	-۱/۲۵	۲۱۶
انگیزه‌های اجتماعی	۷۱/۴۱	۱۷/۷۵	۳۱۵/۱۹	۱۸/۷۵	۱۰۰	۸۱/۲۵	-۰/۶۱	۲۱۶
انگیزه‌های فرهنگی	۷۳/۹۵	۱۵/۸۳	۲۵۰/۷۲	۰	۱۰۰	۱۰۰	-۰/۷۰	۲۱۶
انگیزه‌های خانوادگی	۶۶/۹۷	۲۱/۲۶	۴۵۲/۱۰	۰	۱۰۰	۱۰۰	-۰/۶۴	۲۱۶
کلیشه‌های جنسیتی	۴۷/۱۰	۲۱/۲۶	۵۰۷/۷۵	۰	۹۰	۹۰	۰/۰۸	۲۱۶

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌های ۱ تا ۵: رابطه بین انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و کلیشه‌های جنسیتی با گرایش آنان به اشتغال.

بر اساس اطلاعات ردیف اول جدول شماره (۳)، مطابق آزمون ضریب همبستگی پیرسون ملاحظه می‌شود که بین انگیزه‌های اقتصادی و گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه رابطه معنی‌دار وجود دارد. به طوری که ضریب همبستگی برابر با $I=0/56$ با سطح معنی‌داری $p=0/04$ ، بین انگیزه‌های اجتماعی و گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه رابطه معنی‌دار وجود دارد. به طوری که ضریب همبستگی برابر با $I=0/66$ با سطح معنی‌داری $p=0/02$ ، بین انگیزه‌های فرهنگی و گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه رابطه معنی‌دار وجود دارد. به طوری که ضریب همبستگی برابر با $I=0/60$ با سطح معنی‌داری $p=0/03$ ، بین انگیزه‌های خانوادگی و گرایش زنان به اشتغال در خارج از خانه رابطه معنی‌دار وجود دارد. به طوری که ضریب همبستگی برابر با $I=0/89$ با سطح معنی $p=0/000$ و بین کلیشه‌های جنسیتی و

گرایش زنان به اشتغال در خارج از خانه رابطه معنی‌دار وجود دارد. به طوری که ضریب همبستگی برابر با $r=0/82$ با سطح معنی $p=0/01$ محاسبه شده است.

جدول (۳): همبستگی بین متغیرهای مستقل و گرایش زنان به اشتغال

متغیرها	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
میزان گرایش زنان به اشتغال و انگیزه‌های اقتصادی	$r=0/56$	$p=0/04$
میزان گرایش زنان به اشتغال و انگیزه‌های اجتماعی	$r=0/66$	$p=0/02$
میزان گرایش زنان به اشتغال و انگیزه‌های فرهنگی	$r=0/60$	$p=0/03$
میزان گرایش زنان به اشتغال و انگیزه‌های خانوادگی	$r=0/89$	$p=0/00$
میزان گرایش زنان به اشتغال و کلیشه‌های جنسیتی	$r=0/82$	$p=0/01$

تبیین گرایش زنان به اشتغال در خارج از خانه بر اساس متغیرهای مستقل معنی‌دار: بر اساس داده‌های جدول ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R=0/06$ می‌باشد و ضریب تبیین برابر با $0/64$ است. مدل مذکور نشان می‌دهد ۶۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه) ناشی از متغیرهای مستقلی است که وارد مدل نهایی تحلیل شده‌اند و ۳۶ درصد تغییرات متغیر وابسته ناشی از عوامل دیگری است که در این تحقیق مد نظر قرار نگرفته است. هم چنین شکل رگرسیونی تبیین شده آزمون تحلیل واریانس، خطی است. زیرا مقدار آزمون برای تعیین معناداری اثر متغیرهای مستقل بر میزان گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه $0/29$ با سطح معنی‌داری $0/91$ است.

جدول شماره (۴): ضریب همبستگی چندگانه برای تبیین میزان گرایش زنان به اشتغال

متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه معیار برآورد
	$0/66$	$0/64$	$0/19$	$17/85$

نتیجه‌گیری

گذشته از روابط موقت بین متغیرهای مستقل و گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه به عنوان موضوعی که در نگاه اول آگاهانه به نظرمی‌رسد موضوعی است که دغدغه خودآگاهانه بودن آن با عنایت به تعدد انواع عوامل مرتبط با آن و محدودیت‌هایی که از لحاظ فرهنگی و اجتماعی قالب شده در سنت‌ها و آداب و رسوم ما حاکم شده جای تردید دارد. تصورات قالبی و تجارب زندگی که در طول فرایند اجتماعی شدن به تثبیت الگوهای زنانگی در زنان و مردانگی در مردان منجر شده و خانه‌داری، همسرداری، بچه‌داری و یا شغل‌های دون پایه‌ای نظیر منشیگری برای زنان و شغل‌های اقتصادی سطوح بالا نظیر مدیریت و تصمیم‌گیری از آن مردان در ذهن اغلب افراد جای گرفته است. با ایجاد تغییراتی در ارزش‌های فرهنگی با گذار جامعه از سنتی به مدرن، در نگرش‌ها، ارزش‌ها و نوع زندگی آنان می‌تواند اقدامات اساسی ایجاد شود.

وجود فشارهای اجتماعی در جهت قبول نقش‌های قالبی پذیرفته شده در جامعه برای زنان، برای گرایش آنان به اشتغال در خارج از خانه آسیب‌های جدی وارد کرده است.

در این میان، افزایش آگاهی‌های زنان، توان‌مندسازی آنان در ابعاد مختلف و ایجاد بسترهای مناسب می‌تواند در حد زیادی در جبران آسیب‌ها و جلوگیری از لطمه‌های روحی و روانی بعدی گامی اساسی محسوب گردد.

طبق نظریه مزلو سلسله مراتبی از نیازهای انسانی را، از نیازهای اولیه تا نیازهای سطح بالاتر، فرمول‌بندی کرده است. نیازهای اولیه بیشتر روان‌شناختی هستند که با نیاز به امنیت، نیازهای اجتماعی، عزت و بالاخره نیاز به خود واقعیت بخشی و خود شکوفایی دنبال می‌شوند. خود واقعیت بخشی با نیاز به کسب موفقیت مک‌کله‌لند مطابق است، اما برد وسیع‌تری دارد. تئوری مزلو از سلسله مراتب نیازها، بر اساس شرط ارضای نیازهای سطح بالاتر پس از ارضای نیازهای سطح پایین‌تر برقرار است. این فرضیه

بیانگر همبستگی بین انگیزه‌های اقتصادی بر گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه تأکید دارد.

طبق نظریه جامعه‌پذیری هافستد با طرح نظریه‌ی جامعه‌پذیری فرهنگی، رفتار کاری و سازمانی افراد در انواع جوامع به تصویر می‌کشد. با رای کشورهای با ویژگی پرهیز از عدم اطمینان، «فراخود» هم‌چون یک نیروی درونی عمل می‌کند. انجام کار دقیق و سخت، راهی برای کاهش فشار است.

این وضعیت در کشورهایی با سطح پایین فردگرایی تقویت می‌شود. احساس درونی مسئولیت در مقابل اجتماع، نقش مهمی در این جوامع ایفا می‌کند. در جوامع فردگرا، نیاز به عمل براساس منافع فردی طبق تئوری انتظار قابل تبیین است. در این جوامع اعمال افراد به خاطر انتظار کسب رضایت صورت می‌گیرد در رابطه انگیزه‌های اجتماعی با گرایش زنان به اشتغال در خارج از خانه همبستگی وجود دارد بیانگر آن است که با افزایش انگیزه‌های اجتماعی بر گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه افزوده می‌شود. یافته‌ها و نتایج به دست آمده از مقاله حاضر، یافته‌ها و نتایج پیشین را تقریباً تأیید می‌کند و به تعمیم نتایج کمک می‌کند. طبق نظر والر و ستر و آربر در تحقیقی با عنوان «توان‌مندسازی زنان و سرمایه‌گذاری‌های کلان‌تر برای فرزندان» به نتایجی هم‌چون: بهینه‌سازی وضعیت زنان به ویژه در مورد داشتن استقلال مالی در سطح فردی و اشتغال به عنوان نقشی اضافه شده می‌تواند در بردارنده تعهدات و مسئولیت‌های بیشتر باشد، اما از سوی دیگر زنان با جایگاهی که در بازار کار احراز می‌کنند، پاداش می‌گیرند و این امر حاکمیت بیشتر آن‌ها را بر منابع مالی در پی دارد و به آن‌ها این فرصت را اعطا می‌کند که بتوانند به نحو مثبتی بر شرایط زندگی خود و خانواده خود تأثیر داشته باشند. این فرضیه که بین انگیزه‌های اقتصادی و خانوادگی با گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه همبستگی وجود دارد بیانگر آن است که با افزایش انگیزه‌های اقتصادی و خانوادگی بر گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه افزوده می‌شود. یعقوب جباریان کوشش نموده تا با اشاره‌ای گذرا به حضور انسان در اجتماع و نوع اشتغال هر دو جنس و تأثیر فرهنگ، آداب، سنن و عرف در جوامع مختلف بر

نوع و چگونگی اشتغال زنان با ذکر موانع قانونی، با نگاهی منتقدانه به قوانین موجود یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر عدم اشتغال زنان، یعنی فقدان قوانین به بحث گذاشته نشان می دهد که عوامل فرهنگی بر گرایش زنان به اشتغال تأثیر مثبتی دارد و در تحقیق حاضر نیز چنین برآمده است.

زنجان‌زاده و هم چنین تحقیقات موسی پور، اعظم زاده در رابطه کلیشه های جنسیتی با گرایش زنان به اشتغال از دیدگاه های فمینیستی، تئوری های جنسیتی نظریات تصورات قالبی رفتار، تئوری های تجزیه جنسیتی استفاده کرده اند همگی نشانگر ارتباط تنگاتنگ بین کلیشه های جنسیتی با گرایش زنان به اشتغال می باشد که بیانگر این است که با کاهش میزان کلیشه های جنسیتی در میان زنان دانشجوی ارشد غیرشاغل به گرایش آنان به اشتغال افزوده می شود.

پیشنهادها

۱- پیشنهادهای کاربردی

به مسئولان مربوطه توصیه می شود که: (۱) ایجاد بستر مناسب برای اشتغال زنان در خارج از خانه با کارآفرینی و گسترش بخش های خصوصی (۲) تغییر و اصلاح دیدگاه مردان و مثبت اندیشی بیشتر آنان در مورد اشتغال زنان، اصلاح و تغییر هنجارها و آداب و رسوم غلط ایرانی مخصوصاً شهرستانی ها و روستاییان، از طریق رسانه های عمومی به خصوص تلویزیون (فیلم ها و برنامه های آموزشی و ...).

۲- پیشنهادهای پژوهشی

رشد و شکوفایی یک کشور امری همه جانبه و فراگیر است که مسئولیت آن بر دوش همه مردم است. بنابراین ایجاد فرصت هایی که زمینه مشارکت عادلانه ای همه ی اقشار جامعه را فراهم آورد و آن را از مزایای اجتماعی و اقتصادی آن بهره مند سازد از ضروریات رشد و پیشرفت تمامی جوامع محسوب می شود. در این میان عنایت ویژه به موقعیت زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی جامع به منظور اتخاذ سیاست های حمایتی جهت ارتقای کمی و کیفی وضعیت کنونی زنان در اشتغال از یک سو و بهره گیری

درست و منطقی از توانایی‌ها و استعداد‌های آن‌ها از سوی دیگر از اهمیت به سزایی بر خوردار است، حقیقت این است که تاکنون میزان حضور و مشارکت زنان با موانع عقیدتی، سنتی و حتی قانونی، به ویژه در بخش وسیعی از فعالیت‌های سرنوشت ساز در جامعه از تصمیم‌گیری، مدیریت، حق مالکیت و اشتغال همراه بوده و هست. پست‌هایی که به زنان اختصاص دارد از تنوع و دستمزد کمتری برخوردار است. تبعیض جنسی میان حرفه‌های مختلف در اکثر جوامع هنوز پا برجاست. از این رو نگرش برنامه‌ریزان و خط‌مشی‌تدوین‌کنندگان در آستانه ورود به قرن ۲۱ باید معطوف به افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های سرنوشت ساز جامعه از جمله تصمیم‌گیری، مدیریت، حق مالکیت و اشتغال با از بین بردن موانع عقیدتی، سنتی و حتی قانونی باشند. از این رو پیشنهاد می‌شود رابطه گرایش زنان به اشتغال در خارج از خانه با سایر متغیرهای مستقلی مانند انگیزه‌های شخصی، ارزش‌مندی (عزت نفس) و انگیزه‌های رفاهی بررسی شوند.

منابع

- پرچی، د. (۱۳۸۲). *سنجش گرایش مردم به بسیج*. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بسیج، سال پنجم، دوره جدید، شماره ۱۹.
- تقوی، ن. (۱۳۸۸). *مبانی جمعیت‌شناسی*. تهران: انتشارات آیدین، ویرایش سوم، چاپ نهم.
- خسروی، ز. (۱۳۷۸). *نقش زن در یافته‌های نوین پژوهشی*. پژوهشکده مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا.
- دانش، ع. (۱۳۸۲). *اشتغال زنان و مسایل آن‌ها از چشم‌اندازهای مختلف*. تهران: انتشارات دریای اندیشه.
- راوودراد، ا. (۱۳۷۹). *تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال*. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵.
- زنجانی‌زاده، ه. (۱۳۸۳). *موانع علمی و نظری مشارکت زنان*. جزوه درسی.
- سخاوت، ج. (۱۳۸۰). *مجموعه مقالات همایش مسایل اجتماعی ایران*. انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: موسسه نشرکلمه، ص ۴۲.
- سفیری، خ. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی اشتغال زنان*. تهران: انتشارات تبیان.
- سیف، ع. (۱۳۷۹). *روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزشی)*. تهران: انتشارات آگاه.
- شادی‌طلب، ژ. (۱۳۸۱). *توسعه و چالش‌های زنان ایران*. تهران: انتشارات قطره.
- شولتز، د و سیدینی، ا. (۱۳۷۰). *تاریخ روانشناسی نوین*. ترجمه: ع، ا؛ سیف. تهران: انتشارات رشد، جلد دوم.
- شهرآرای، م. (۱۳۷۵). *انگیزه پیشرفت در زنان، بررسی پژوهش‌های نیم قرن اخیر*. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره یازدهم، شماره اول و دوم، ص ۳۳ و ۳۴.
- شیخی، م. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*. تهران: انتشارات شرکت سهام.

- کار، م. (۱۳۷۸). زنان در بازار کار ایران، به انضمام تئوری‌های جنسیتی [ریچارد وانکر، کاترین هین]. ترجمه: پ، رئیسی فرد. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- موسی پور، ع. (۱۳۸۷). بررسی راهکارهای توسعه اشتغال زنان در استان آذربایجان شرقی. تبریز: ناشر معاونت برنامه‌ریزی استانداری آذربایجان شرقی.
- میشل، آ. (۱۳۷۶). پیکار با تبعیض جنسی. ترجمه: م، ج؛ پوننده. تهران: انتشارات آگاه.
- نوروزی، ل. (۱۳۸۵). وضعیت زنان در بازار اشتغال. روزنامه عصر اقتصاد، شماره ۶۷۱، ۲۵ خرداد، ص ۵.
- یزدخواستی، ب. (۱۳۷۲). زنان و تغییرات اجتماعی. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- Bradley, H. (1996). **Fractured Identities, Changing Pattern Inequality**. Polity Press, P. 39.
- Doucet, A. (1995). **Gender Equality and Gender Differences in Household Work and Parenting**. Women Studies, International Forum, Vol. 18, No. 3.
- Emslie, C. Hunt, K. Macintyre S. (1999). **Problematizing Gender Work and Health, Social and Medicine**. Vol. 48, 33 – 48.
- Feingold, A. (1996). **Cognitive Gender Differences: Where Are They, And Why Are There, Learning and Individual**.
- Gott Schall, Karin. (1998). **Doing gender while doing job, in Proceedings on internalization, Gender**. Goldman Monika, (HG) October.
- Hersberg, F. (1957). **Job Attitude: Review of Research and Opinion**. Pittsburg, Psychological Service Pittsburg .
- Hofstede, G. (1980). **Motivation, Leadership and Organization: Do American Theories apply Abroad?**. Organizational Dynamics; summer.
- Tepperman, L. (1998). **A Brief Introduction to Sociology**. Prentice Hall, Canada.